

طرق فوق العاده اعتراض

بر

احکام کیفری

تألیف: بابک پورقهرمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	: پورقهرمانی کلتیه، بابک، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	: طرق فوق العاده اعتراض بر احکام کیفری / بابک پورقهرمانی کلتیه.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.
شابک	: 964-2661-29-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۹۲]-۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: تجدید نظر قضایی -- ایران.
موضوع	: حقوق جزا -- ایران -- دعاوی.
موضوع	: قانون کیفری -- ایران.
رده بندی کنگره	: ۴۲۰/۹۰/۲۷۹۰ KMH
رده بندی دیویی	: ۳۴۷/۵۵۰۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۶۳۹۸۱



انتشارات خرسندی

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین بالاتر از خیابان لبافی نژاد
کوچه بهشت آیین پلاک ۲۱ - طبقه اول شرقی تلفن: ۵ و ۶۶۴۹۰۵۸۴

طرق فوق العاده اعتراض بر احکام کیفری

بابک پور قهرمانی کلتیه

چاپ اول، ۱۳۸۶

۱۰۰۰ نسخه

ناظر فنی: محسن کنگرانی

قیمت ۳۳۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴-۲۶۶۱-۲۹-۲ ISBN 964-2661-29-2

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۷	مبحث اول: تعاریف و مفاهیم
۱۷	گفتار اول: اعتراض (تجدید نظر)
۱۷	الف: مفهوم لغوی
۱۸	ب: مفهوم اصطلاحی
۱۹	گفتار دوم: رأی
۲۰	گفتار سوم: رأی قطعی
۲۱	گفتار چهارم: اعتبار امر مختومه
۲۲	گفتار پنجم: فراغ دادرسی
۲۳	مبحث دوم: مبانی، ضرورت، محاسن و معایب تجدید نظر
۲۳	گفتار اول: مبانی تجدید نظر
۲۳	الف: مبانی اجتماعی تجدید نظر
۲۳	۱. تحولات اجتماعی
۲۴	۲. حفظ حقوق و آزادیهای فردی
۲۴	ب: مبانی حقوقی تجدید نظر
۲۵	گفتار دوم: ضرورت تجدید نظر
۲۶	گفتار سوم: محاسن و معایب تجدید نظر
۲۶	الف: محاسن تجدید نظر
۲۷	ب: معایب تجدید نظر
۲۹	مبحث سوم: طرق فوق العاده اعتراض بر احکام
۲۹	گفتار اول: طرق فوق العاده اعتراض قبل از انقلاب
۲۹	الف: فرجام خواهی
۲۹	۱. مفهوم فرجام خواهی

۲. موارد استدعای تمیز (فرجام) ۳۱
۳. احکام قابل فرجام ۳۱
۴. اقسام فرجام ۳۲
 - ۴.۱. فرجام حقوق عمومی ۳۲
 - ۴.۲. فرجام به نفع قانون ۳۳
 - ۴.۲.۱. فرجام خواهی دادستان کل کشور ۳۴
 - ۴.۲.۲. فرجام خواهی وزیر دادگستری ۳۴
۵. آثار فرجام خواهی ۳۵
۶. رد و قبول تقاضای فرجام ۳۶
۷. فرجام (تمیز) ثانوی ۳۸
- ب: اعاده دادرسی ۳۹
 - گفتار دوم: طرق فوق العاده اعتراض، بعد از انقلاب ۳۹
- فصل دوم: طرق فوق العاده اعتراض قبل از قانون اصلاح ۴۳
 - مبحث اول: تجدید نظر عام ۴۳
 - گفتار اول: بررسی مبانی فقهی تجدید نظر عام ۴۵
 - الف: پی بردن حاکم به فساد حکم خود ۴۵
 - ب: پی بردن حاکم به خطای حاکم دیگر ۴۷
 - ج: عدم صلاحیت حاکم ۴۸
 ۱. عدم صلاحیت ذاتی ۴۸
 ۲. عدم صلاحیت محلی ۴۸
 ۳. عدم صلاحیت قاضی ۴۸
 - گفتار دوم: بررسی تجدید نظر عام در آیین دادرسی کیفری ۵۱
 - الف: سابقه تقنینی ۵۱
 - ب: موارد تجدید نظر عام در آیین دادرسی کیفری ۵۹
 ۱. اعلام اشتباه توسط قاضی صادر کننده رأی ۵۹
 ۲. اعلام اشتباه توسط قاضی دیگر ۶۱
 ۳. ادعای عدم صلاحیت قاضی ۶۲

ج: ایرادات وارد بر تجدید نظر عام	۶۳
نتیجه	۶۴
مبحث دوم: اعتراض از طریق دادستان کل کشور	۶۷
گفتار اول: سابقه تقنینی	۶۷
گفتار دوم: شرایط اعمال تجدید نظر از طریق دادستان کل کشور	۷۰
گفتار سوم: نحوه اقدام دادستان کل کشور	۷۲
نتیجه	۷۳
فصل سوم: طرق فوق العاده اعتراض در قانون اصلاح قانون	۷۵
مبحث اول: اعاده دادرسی کیفری	۷۵
گفتار اول: مفهوم اعاده دادرسی	۷۷
الف: مفهوم لغوی	۷۷
ب: مفهوم اصطلاحی	۷۷
گفتار دوم: سابقه تقنینی اعاده دادرسی	۷۹
گفتار سوم: مقایسه اعاده دادرسی مدنی و کیفری	۸۳
الف: جهات اشتراک	۸۳
ب: جهات افتراق	۸۴
گفتار چهارم: مقایسه اعاده دادرسی کیفری با اقسام مشابه	۸۵
الف: مقایسه تجدید نظر با اعاده دادرسی	۸۵
ب: مقایسه اعاده دادرسی با فرجام	۸۶
ج: مقایسه اعاده دادرسی کیفری با تجدید نظر از شعب تشخیص	۸۷
گفتار پنجم: موضوع اعاده دادرسی کیفری	۸۸
گفتار ششم: خصائص و ویژگیهای اعاده دادرسی	۹۳
الف: اعاده دادرسی استثنائی بر قاعده اعتبار امر مختومه و فراغ دادرسی است	۹۳
ب: اعاده دادرسی مهلت ندارد	۹۴
ج: اعاده دادرسی قبل و بعد از اجرای حکم پذیرفته می شود	۹۵
۱. زمانی که حکم اجرا نشده باشد	۹۵

۲. زمانی که حکم در حال اجرا باشد ۹۶
۳. زمانی که حکم اجرا شده باشد ۹۷
- ۱.۳. بازگردانیدن حیثیت و آبروی از دست رفته ۹۷
- ۲.۳. جلوگیری از تبعات و آثار حکم ۹۸
- د: اعاده دادرسی منجر به محکومیت، برائت و یا تقلیل مجازات می‌شود ... ۹۸
- گفتار هفتم: موارد و جهات اعاده دادرسی کیفری ۹۹
- الف: ثبوت بقای شخص در زمان فرض وقوع قتل یا زنده بودن مقتول ۹۹
- ب: محکومیت متعدد با وجود مرتکب واحد ۱۰۰
- ج: تعارض و تضاد احکام کیفری ۱۰۲
- د: ثبوت جعلیت اسناد و کذب شهادت شهود ۱۰۵
۱. جعلی بودن اسناد ۱۰۵
۲. خلاف واقع بودن شهادت شهود ۱۰۷
- ۱.۲. کذب شهادت شهود ۱۰۷
- ۲.۲. فقدان شرایط قانونی شهادت ۱۰۸
- ه: حدوث واقعه یا ابراز دلایل جدید دال بر بیگناهی محکوم علیه ۱۰۸
۱. حدوث واقعه جدید ۱۰۹
۲. ابراز دلایل جدید ۱۱۰
- و: اشتباه قاضی در تناسب کیفر با جرم ۱۱۲
- ز: تخفیف مجازات در قانون لاحق ۱۱۴
- گفتار هشتم: عدم اعمال اعاده دادرسی در جرائم غیر قابل گذشت ۱۱۹
- گفتار نهم: متقاضیان اعاده دادرسی ۱۲۰
- الف: محکوم علیه ۱۲۱
- ب: جانشینان محکوم علیه ۱۲۲
۱. در صورت حیات محکوم علیه ۱۲۲
۲. در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه ۱۲۳
- ج: دادستان کل کشور ۱۲۷
- د: رئیس حوزه قضایی ۱۲۸

گفتار دهم: آیین و آثار اعاده دادرسی	۱۲۹
الف: آیین اعاده دادرسی	۱۲۹
۱. ترتیب درخواست	۱۲۹
۲. ترتیب رسیدگی	۱۳۲
ب: آثار اعاده دادرسی	۱۳۶
۱. آثار درخواست اعاده دادرسی	۱۳۶
۱.۱. اثر تعلیقی	۱۳۶
۲.۱. اثر انتقالی	۱۳۷
۱.۲.۱. اثر انتقالی حق اعاده دادرسی	۱۳۷
۲.۲.۱. اثر انتقالی رسیدگی به اعاده دادرسی	۱۳۸
۲. آثار حکم اعاده دادرسی	۱۴۱
۱.۲. آثار حکم اعاده دادرسی در مورد اعلام برائت	۱۴۳
۲.۲. آثار حکم اعاده دادرسی در مورد تقصیر محکوم علیه	۱۴۴
گفتار یازدهم: قطعی یا غیر قطعی بودن حکم اعاده دادرسی	۱۴۵
گفتار دوازدهم: جبران خسارت مادی و معنوی	۱۴۷
نتیجه	۱۴۸
مبحث دوم: تجدیدنظر براساس ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل دادگاههای ...	۱۵۱
عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ (شعب تشخیص)	۱۵۱
گفتار اول: سابقه تقنینی ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب	۱۵۲
گفتار دوم: آرای قابل اعتراض بر اساس ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل	۱۵۷
دادگاههای عمومی و انقلاب	۱۵۷
گفتار سوم: شعبه تشخیص و نحوه رسیدگی	۱۶۲
گفتار چهارم: ابلاغ و مهلت اعتراض	۱۶۷
گفتار پنجم: متقاضیان تجدیدنظر در شعب تشخیص	۱۶۸
مبحث سوم: تجدیدنظر خواهی رئیس قوه قضائیه از آرای محاکم	۱۷۲
گفتار اول: تاریخچه	۱۷۲

- گفتار دوم: مبنای حق اعتراض رئیس قوه قضائیه ۱۷۵
- گفتار سوم: بررسی قلمرو اختیارات رئیس قوه قضائیه ۱۷۶
- الف: بحث حکم و قرار (شمول نسبت به قرار) ۱۷۶
- ب: نحوه اطلاع رئیس قوه قضائیه از آرای خلاف بین شرع ۱۷۷
- ج: خلاف بین شرع ۱۷۸
- د: اثر تشخیص رئیس قوه قضائیه (اخبار یا انشای حکم) ۱۸۱
- گفتار چهارم: ارجاع به مرجع صالح ۱۸۲
- الف: مفهوم ارجاع ۱۸۲
- ب: مقصود از مرجع صالح ۱۸۳
- گفتار پنجم: نحوه اعمال اعتراض توسط رئیس قوه قضائیه ۱۸۳
- گفتار ششم: آثار اعلام خلاف شرع بودن رأی ۱۸۴
- گفتار هفتم: تشکیلات و نحوه اعتراض به آراء خلاف بین شرع از طریق رئیس قوه قضائیه ۱۸۵
- الف: تشکیلات ۱۸۶
- ب: نحوه اعتراض و رسیدگی به آراء خلاف بین شرع ۱۸۶
- گفتار هشتم: مهلت اعتراض به آراء خلاف شرع ۱۸۹
- گفتار نهم: متقاضیان اعتراض مبنی بر خلاف شرع بودن رأی ۱۹۰
- گفتار دهم: نسخ ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه ۱۹۰
- نتیجه ۱۹۱
- منابع و مآخذ ۱۹۲
- کتاب ۱۹۲
- الف) کتب فارسی ۱۹۲
- ب) کتب عربی ۱۹۴
- مقالات ۱۹۵
- پایان نامه ها ۱۹۸
- مجموعه آراء و قوانین ۱۹۹
- فرهنگها ۲۰۰

پیشگفتار

«قضات به فراغت حال و آسودگی خیال در حین قضاء، قائل در جوانب موضوع، حلم در رسیدگی، دقت در حکم، استناد به مواد قانون و اصول حقوقی، تکیه بر دلایل، بیطرفی و برابرنگری طرفین و آدابی از این دست سفارش شده‌اند. فصل خصومت و حکم در میان ناس که مطلب پیغمبران است؛ البته خلق کریم و رحم و نصفت و ادب و بزرگ‌منشی و دلسوزی دقت در کار می‌طلبد، قضات هر یک به فراخور حال و مقام علمی و اخلاقی خود بدین سفارشها عمل می‌کنند و خدای را در همه حال ناظر بر اعمال می‌بینند.

با همه دقتها و وسواسهایی که قضات مراعات می‌نمایند؛ گاه اشتباهات و خطاهایی در تطبیق موضوعات با احکام و فهم مستندات و احصاء دلایل و نظایر اینها رخ می‌دهد که در هرکار بشر این امر طبیعی است. از سوی دیگر قضاء، میدان تجارب آراء حقوقی و صحنه تفسیر قوانین و تشخیص ناسخ و منسوخ در احکام قانونی است و قاضی در تفسیری که در مقام حکم از قوانین می‌کند. در چهارچوب اصول آزاد است. این آزادی لازمه اختیارات قاضی و استقلال اوست. اما همین آزادی باب اشتباه در تفسیر و استنباط را نیز می‌گشاید که این نیز بنا به طبیعت کار، امری پیش آمدنی است.»^۱

قانونگذار در مقام چاره جوئی نسبت به اشتباهات قضائی و احکام مخالف اصول یا قوانین یا ادله یا مستندات، راههایی را برای یک سری از اشخاص قائل شده است که حتی بعد از قطعی شدن حکم می‌توانند نسبت به آن اعتراض نموده، درخواست نقض آنرا کنند. یعنی در واقع مرحله رسیدگی بدوی و تجدید نظر به اتمام رسیده و رأی اعتبار امر مختوم پیدا کرده است و دیگر نمی‌توان آنرا نقض کرد. ولی راههایی وجود دارد که می‌توان احکام قطعیت یافته را هم نقض کرد و از اعتبار انداخت. به این راههای اعتراض

۱- صمدی، امری، محمد هاشم؛ نظریات قضائی دادستان کل کشور در اجرای مواد ۱۸ و ۳۱ ق.ت.د.ع.ا، ج اول،

که بعد از قطعیت حکم اعمال می‌شود، «طرق فوق‌العاده اعتراض» گفته می‌شود.

طرق فوق‌العاده اعتراض بر احکام کیفری، راههای فوق‌العاده و استثنایی هستند که بعد از قطعی شدن حکم می‌توان دوباره رسیدگی و نقض کرد. به عبارت دیگر آرائی که تمام مراحل بدوی و تجدید نظر خود را پشت سر بگذارند دیگر حکم قطعی و لازم الاجرا می‌شود و قاعده فراغ دادرسی و اعتبار امر مختوم مانع از آنست که رأی صادره دوباره مورد رسیدگی و بازبینی قرار گیرد. ولی باز هم بر این قواعد حاکم بر احکام دادگاهها استثنائاتی به حکم قانون وارد شده است که می‌توان تحت شرایطی آن آراء را از قطعیت انداخت و دوباره تجدید رسیدگی کرد.

تجدید رسیدگی با توجه به اینکه مخالف اصل است باید موارد و جهات آن منصوص و تحت شرایط خاصی انجام گیرد و به نحوی باشد که رأی را مختومه کند. ولی قانونگذار در بعضی موارد نه اینکه باب طرق فوق‌العاده اعتراض بر احکام را نهایت مفتوح گذاشته است، بلکه آن طرق هم طوری پیش‌بینی شده‌اند که در هر زمانی و به هر نوعی می‌توان به رأی صادره اعتراض و درخواست نقض کرد (البته این مشکل در اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ تقریباً مرتفع شده است). در حالیکه این امر استثنا بر اصل و قاعده مغایر است و منجر به اطاله دادرسی دعاوی خواهد شد. در حالیکه هدف بر این است که عموم و جامعه زودتر به حق خویش برسند و نظم مختل شده را در جهت ماقبل اتفاق برگردانند. به هر حال در جهت این اهداف نوشته حاضر از سه فصل تشکیل یافته است ...

فصل اول؛ به بخش کلیات می‌پردازد، که این بخش هم مباحثی را به خود اختصاص داده است. از جمله، مفاهیم، اصطلاحات، مبانی تجدید نظر؛ طرق عادی و طرق فوق‌العاده و

فصل دوم، تحت عنوان «طرق فوق‌العاده اعتراض قبل از قانون اصلاح تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» می‌باشد. که با توجه به اینکه در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ در طرق فوق‌العاده تغییراتی صورت گرفته است. نگارنده بر آن شد؛ که با توجه اینکه مواردی از طرق فوق‌العاده مندرج در قانون ۱۳۷۸ نسخ شده‌اند و ایجاد فصل جداگانه‌ای برای مواد منسوخه صحیح نبود، فصلی تحت عنوان مذکور ایجاد شود و طرق

فوق‌العاده‌ای که در این دوره اعمال می‌شد و یا می‌شود نگاشته شود.

بنابر این اساس، این فصل هم از سه مبحث تشکیل شده است. مبحث اول تحت عنوان «تجدید نظر عام» مطرح شده است که بطور اجمال به بررسی مبانی فقهی و حقوقی تجدید نظر عام پرداخته شده است و این اعتراض در قانون ۱۳۸۱ ملغی گردید. مبحث دوم؛ تحت عنوان اعتراض از طریق دادستان کل کشور می‌باشد که موضوع ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری را تشکیل می‌داد و فعلاً هم منسوخ شده است.

فصل سوم؛ تحت عنوان «طرق فوق‌العاده اعتراض در قانون اصلاح تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» نگاشته شده است و با توجه به اینکه قانون مذکور اعاده دادرسی را تأیید و تجویز کرده است. نگارنده بر آن شد که اعاده دادرسی هم در این فصل آورده شود:

مطالب این فصل در سه مبحث تدوین یافته است...

مبحث اول؛ که تحت عنوان «اعاده دادرسی کیفری» می‌باشد و با توجه به اینکه فعلاً هم قابل اجرا است بیشترین مباحث این کتاب را تشکیل می‌دهد و این مبحث هم گفتارهایی را به خود اختصاص داده است. از جمله مفهوم، سیر تاریخی، خصائص و شرایط، جهات و موارد، نحوه رسیدگی، متقاضیان و آثار اعاده دادرسی و...

مبحث دوم؛ هم تحت عنوان «تجدید نظر بر اساس ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (شعب تشخیص) مصوب ۱۳۸۱» را تشکیل می‌دهد. که به بررسی ماده ۱۸ قانون مذکور که تغییرات و تحولات تازه‌ای را در طرق فوق‌العاده ایجاد کرده بود، می‌پردازد. مباحثی از جمله؛ سابقه ماده ۱۸، آرای قابل اعتراض؛ شعب تشخیص، متقاضیان تجدید نظر در شعب تشخیص و ...

مبحث سوم؛ هم به «تجدید نظر خواهی رئیس قوه قضائیه از آرای محاکم» می‌پردازد که به عنوان طریق نهایی تجدید نظر از احکام قطعی می‌باشد و در اواخر سال ۱۳۸۵ تغییرات و اصلاحاتی در آن به عمل آمده است.

هدف از نگارش این کتاب؛ تحقیق جامعی در مورد طرق فوق‌العاده اعتراض بر احکام در دادگاههای عمومی و انقلاب می‌باشد و با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی

دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ طرق فوق العاده تجدید نظر دچار تغییر و تحولاتی شده است و با توجه به جدید التصویب بودن قانون مذکور تحقیقی در این مورد انجام نشده بود، ضروری به نظر می‌رسید که تحقیقی در این مورد انجام شود و با توجه به اینکه در کتب آیین دادرسی کیفری؛ هیچ بحثی در این مورد نشده و یا کمتر به آن پرداخته شده است و اهمیت این بحث کمتر از مباحث مطرح شده نیست و حتی بیشتر است، چه بسا محکوم علیه به خاطر عدم آگاهی از طرق مذکور، نتواند به حق خویش برسد و چه بسا بی‌جهت مجازات و یا حتی را از دست بدهد. که در اینصورت نمی‌توان عدالت را اجرا شده فرض کرد.

نظر به اینکه اولین بار است کتابی تحت این عنوان به چاپ می‌رسد فلذا از فرهیختگان و حقوقدانان محترم که نقص یا نارسایی در این اثر ملاحظه می‌نمایند، تقاضا می‌شود که نظرات اصلاحی خود را انتقال دهند تا در چاپ بعدی مورد توجه قرار گیرد.

بابک پورقهرمانی

تابستان ۱۳۸۶